

آسیب شناسی مقدمه تصویب قانون

علی حق

کارنامه ۱۳ ساله خصوصی سازی در حالی رقم واگذاری شرکت های دولتی را ۱۱۶۰ میلیارد تومان نشان می دهد که تنها در سال جاری مطابق قانون بودجه دولت موظف به واگذاری ۱۴۰۰ میلیارد تومان از سهام شرکت های زیر مجموعه اش است.

هر چند که آمار واگذاری های ۹ ماهه سال جاری حاکی از واگذاری ۲۱۶ میلیارد تومان از سهام شرکت های دولتی است که در مقایسه با درآمد حاصل از خصوصی سازی در سال گذشته بیش از ۳ برابر شده است. اما تبلیغ برای شتاب گیری روند خصوصی سازی در کشور نباید عامل فراموشی حجم وسیع عدم تحقق ها در مسیر پر دست انداز خصوصی سازی شود. دست انداز هایی که رئیس جمهوری در گفت و گوی روز گذشته خود با خبرگزاری سینا، از آنها به عنوان موانع ساختاری و اجرایی خصوصی سازی در کشور یاد کرده و نوبت تصویب قانونی مستقل برای پوشش آنها داده است.

خصوصی سازی در کشور با اجرای سیاست های تعدیل ساختاری در اقتصاد ایران در حالی از سال ۱۳۷۰ در دستور کار دولت قرار گرفت که با وجود شعارهای مطرح در باب ایجاد فضای رقابتی در طول ۱۳ سال گذشته نه تنها انتظار درآمدی دولت، آنگونه که تصور می شد محقق نشده بلکه تعداد شرکت های دولتی سهمیم در بودجه یا تحمیل بار عجز صدی بر بودجه سیالیت و با رشدی ۵۰ درصدی به ۵۱۹ شرکت افزایش یافته است.

همچنین اندازه دولت در اقتصاد ایران از حدود ۶۰ درصد در سال های اولیه دهه ۷۰ به بیش از ۷۰ درصد در سال ۸۲ بالغ شده و به همین نسبت فضا برای فعالیت بخش خصوصی تنگ تر شده است، چرا که اجرای سیاست خصوصی سازی در ایران فارغ از اهداف اصلاح ساختار، زمانی شدت می گیرد که از یک سو نیازهای درآمدی به واگذاری شرکت های دولتی جدی تر می شود و از سوی دیگر سنگینی بار شرکت های دولتی طاقت فرساست از تحمل دولت می شود.

به همین دلیل است که دولت بدون توجه به پیش نیازهای اصلی اجرای سیاست های خصوصی سازی، در کارنامه خود نتیجه محکومی از اجرای این سیاست مشاهده می کند. گمان نمی توان کرد که ساخت اقتصاد ایران همچنان از هر گونه فضا سازی لازم برای رقابتی شدن محروم است. بازارهای کلان اقتصاد ایران از جمله بازار پول، سرمایه و کار به هیچ وجه از قواعد یک بازار کاملاً رقابتی تبعیت نمی کنند. از سوی دیگر عدم وجود قوانین تسهیل کننده رقابت در اقتصاد ایران، زمینه های حضور انحصاری دولت و شبه دولت را در بازارهای خرد و کلان و حتی در روند واگذاری شرکت های دولتی فراهم کرده است. گذشته از این نبود بسترهای لازم برای احساس امنیت و ابراز وجود بخش خصوصی در ایران، در سایه مشکلات عدیده در اقتصاد ایران به تیغ عملکرد زیر سیستم های سیاسی و اقتصادی جامعه ایرانی، بخش خصوصی را همچنان در رقابت با بخش دولت و شبه دولت ناکام گذاشته است. همچنین پاره ای قوانین کشور به دلیل عدم به رسمیت شناختن حق مالکیت خصوصی با توسل به سلب مالکیت ها شرایط لازم را برای فعالیت بی دغدغه بخش خصوصی از بین برده است.

فراتر از این موانع ساختاری، حسیندگی شدید مدیران دولتی به میزبانشان تحت سیطره این دیدگاه که واگذاری های تصدی گری های اقتصادی دولت به قیمت کاهش قدرت سیاسی دولتمردان تمام خواهد شد، سبب شده تا خصوصی سازی در مراحل اجرا نیز با مقاومت هایی روبه رو شود و با در صورت تمکین، خصوصی سازی به واگذاری های مذاکره ای شرکت های دولتی به مدیران دولتی و شبه دولت ختم شود.

از طرف دیگر تسریع روند واگذاری شرکت های دولت با نگاه صرفاً درآمدی به منظور گریز از بحران مالی، متأسفانه با این برداشت نظری از خصوصی سازی قرین شده که کوچک سازی دولت به معنای آزادسازی دولت از حلقه های تنگ مسئولیت پذیری اجتماعی، اقتصادی است. لذا آنچه که در طول این سال ها از اجرای خصوصی سازی شاهد بوده ایم، رهاسازی بخشی از فعالیت های اقتصادی دولت در بخش عمومی اقتصاد بوده است، اگر چه امروز دولت با مشکلات عدیده ای ناشی از واگذاری های بدون ضابطه روبه رو است. بدین ترتیب بی توجهی دولت به لزوم حفظ نظارت بر

شرکت های واگذار شده روند اصلاح ساختار آنها و تبعات منفی آن در عرصه اجتماعی سبب بروز مقاومت های اجتماعی در برابر اجرای سیاست خصوصی سازی شده است.

تشدید مشکلات در واحدهای واگذار شده به نهادها و بنیادها که سبب شده تا دولت با تشکیل کمیته بحران در عمل ناگزیر از اعطای ۱۶۰۰ میلیارد تومان کمک در قالب های مختلف به این واحدهای به اصطلاح خصوصی شده، شد که با هدف خصوصی سازی در تضاد بود.

به تیغ این وقوع بحران، تعدیل گسترده نیروی کلان این شرکت ها در شرایطی که دولت نسبت به تحمل هزینه های اجتماعی مترتب بر خصوصی سازی بی تفاوت بود، مشروعیت لازم را برای خصوصی سازی در جامعه کارگری کشور از میان برد.

حالت در شرایطی که دولت قصد دارد به منظور تسریع و بهبود روند خصوصی سازی در کشور نسبت به تدوین قانونی مستقل اقدام کند، با توجه به تجربه حاصل، بدیهی است که پیشتر باید نسبت به یک بررسی عالمانه نسبت به علل ناکامی در اجرای سیاست خصوصی سازی اقدام شود و مواد اصلی این قانون به رفع موانع ساختاری و اجرایی خصوصی سازی اختصاص داشته باشد. همچنین دولت باید با پذیرش مسئولیت سنگین اصلاح ساختار اقتصاد ایران و حذف نگاه درآمدی به خصوصی سازی، پذیرای هزینه های اجتماعی، اقتصادی سریار اجرای متعهدانه سیاست خصوصی باشد. تجربه کشورهای موفق در زمینه خصوصی سازی حاکی از صرف هزینه های سنگین دولتی در جهت کاهش تبعات منفی اقتصادی، اجتماعی خصوصی سازی و پررنگ کردن جلوه های مثبت آن است، به عنوان نمونه کشوری چون آلمان در قبال هزینه کرد ۳۰۰ میلیارد مارکی برای تحقق اهداف اصلاح ساختار غیر رقابتی آلمان شرقی، تنها ۷۰ میلیارد مارک درآمد از محل واگذاری های شرکت های دولتی کسب کرد و عایدی معیارستان از این محل در طول ۱۰ سال خصوصی سازی که منجر به واگذاری ۱۳۰۰ شرکت شد دولتی تنها ۱۰ میلیارد دلار بوده است.

بدین ترتیب قانون در دست تدوین خصوصی سازی در حالی در عمل موفق خواهد بود که در تدوین آن فارغ از نگاه اقتصادی صرف، نوعی نگرش اقتصاد اجتماعی از سوی دولت لحاظ شود. البته این در شرایطی است که دولت به واقع بر اصلاح ساختار اقتصاد غیر رقابتی ایران همت گمارده باشد و تنگنای بودجه ای صرف، محور شتاب بخشی به روند خصوصی سازی نباشد. بدیهی است، اتخاذ نگاه آسیب شناختی نسبت به کارنامه ۱۴ ساله خصوصی سازی پیش از تدوین قانون، معیار مناسبی برای سنجش عزم جدی و اصیل دولت و پیش نیاز اولیه برای تدوین قانونی به منظور اجرای متعهدانه خصوصی سازی خواهد بود.